

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ما دو یا سه جلسه است که بحثی را راجع به تشریح و مفاهیم همسو با آن (افتراء، کذب، بدعت، اسناد ما لم یعلم کونه من الشارع الی الشارع) داریم؛ عرض شد که این بحث جایگاه معینی ندارد که مختص به خودش باشد و لذا برخی بزرگان بحث نکرده اند و برخی گذرا بحث کرده و عبور کرده اند.

خلاصه بحث ما در مطلب اول: تشریح و تقنین از آن خداست و دلیل آن برهان عقلی و نقلی است. گفتیم این حق را خداوند به برخی تفویض کرده است؛ گفتیم قدر متیقن از واگذاری، شخص نبی مکرم است و در مورد ائمه بین اعلام اختلاف است و غیر از ائمه همه اتفاق دارند که این حق به کسی واگذار نشده است.

ما در مورد مفاهیم همسو با تشریح بحث خواهیم کرد تا فرق این واژه ها آشکار شده و استفاده نادرست از این واژه ها نشود؛ همچنین احکام این مفاهیم با هم فرق دارند و فهم درست این واژه ها سبب می شود حکم مختص به هر کدام را برای خودش بار کنیم و همچنین اختلافی بین مرحوم نائینی و امام خمینی در واژه تشریح است و آن نیز منقح می شود و از دیگر ثمرات این بحث این است که می فهمیم که چگونه در لغت و واژه ها وارد بشویم.

تشریح و تقنین: در مورد تشریح حداقل دو تفسیر از علمای ما رسیده است و اگر نظر صحیح را اضافه کنیم می شود سه نظر؛ برخی معتقدند تشریح: ادخال ما لیس من الدین فی الدین است (مرحوم امام در کتاب انوار الهدایة)

بر این اساس تشریح با واژه بدعت مساوق است (یعنی هر جا تشریح صادق باشد بدعت صادق است و بالعکس)

نکته: فرق مساوق و مرادف: مرادف یعنی در مفهوم یکی هستند مثل انسان و بشر؛ اما برخی واژه ها مفهوماً متباین هستند مثل انسان و ضاحک، انسان و ناطق مفهوماً متباین هستند. اما دو مفهوم متباین ممکن است در خارج 4 صورت داشته باشند.

1: متساویین

2: عام و خاص مطلق

3: عام و خاص مطلق

4: متباین

آیا مرحوم امام می فرماید این دو، مفهوماً هم مساوی اند یا نه می فرماید مفهوماً متباین هستند و در خارج متساوق.

استاد: از عبارت مرحوم امام چیزی در نمی آید که مراد ایشان چه بوده است.

فرق ادخال و اسناد: کسی که فکر می کند نماز آیات واجب نیست و به دروغ به شارع نماز آیات را نسبت می دهد این اسناد ما لم یعلم داده است اما ادخال نکرده است چون نماز آیات فی الواقع واجب بوده است.

نظر دوم: محقق نائینی: ایشان بر خلاف مرحوم امام معتقد است تشریح همان اسناد است و معتقد است اگر اسناد دهنده چیزی را به شریعت نسبت دهد که برای او ثابت نیست می شود تشریح.

داوری بین این دو: ما ماده (ق، ن، ن) نداریم تقنین در کتب فارسی است نه در لغت نامه های اصیل عربی؛ همچنین کلمه تشریح کلمه پدر و مادر داری نیست و لذا اول کسی که این واژه را استعمال کرده است فیومی در قرن هشتم است علت هم این است که عرب به این دو واژه نیاز ندارد و از واژه ای مثل شَرَعَ (قانون گذاری) و سَنَّ استفاده می کند.

نکته: البته تشریح را عرب به کار می برد اما آن تشریح به معنای خیابان کشی است. تشریح همان قانون گذاری است اعم از اینکه اسناد باشد یا نباشد اعم از اینکه علم من الشارع یا لم یعلم من الشارع.

همین که کسی سن سنة بکند برای سلوک و پیروی می شود تشریح، و همه مدل تشریح حرام است. چرا که این غصب حق مولا است و دخالت در حق غیر (مولا) حرام است. ما در اینجا آیه و روایت و... نداریم و لذا تعبیدی هم در کار نیست و فقط مناسبت معنای لغوی برای ما می ماند. واژه بعد بدعت: برخلاف کلمه تشریح و تقنین این کلمه ریشه دارد و در نصوص ما هم آمده است واژه های مثل بدعت، مبدع و... .

بدعت را معنا کرده اند: به الحدث فی الدین بعد الاکمال این با ادخال ما لیس من الدین فی الدین یکی است. ولی اگر بخواهیم لغت را در نظر بگیریم می گوییم بدعت یعنی هر نوع پدیده جدید. کلمه بدعت ولو عام است اما بیشترین کاربردش در الحدث فی الدین بعد الاکمال است و لذا اکثراً بدعت را حرام می دانند با اینکه بدعت لغوی ممکن است حرام نباشد؛ در شرح لمعه هم شهید ثانی بدعت را به اقسام گوناگونی تقسیم کرد و برخی اقسامش حرام نبود.

استاد: رابطه بدعت با تشریح: مفهوماً تباین است چرا که در تشریح حیث قانون گذاری است اما در بدعت حیث پدیده جدید است اما مصداقاً عام و خاص من وجه است.

الحمد لله رب العالمین